

خبرنامه جنگ

- آیا رژیم از جان و مال مردم جنگ زده دفاع میکند
- نامه یکی از رفقای هوادار درباره اوضاع شهر آبادان
- جرازم از اعلام خرید اسلحه وحشت دارد؟

صفحه ۴

صفحه ۵

صفحه ۱۰

بیکار

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سه شنبه ۲۹ مهر ۱۳۵۹ بها ۱۰ ریال

علت ترک مناطق جنگ زده خوزستان توسط مردم چیست؟



آنچه از اخبار رسیده روشن می‌گردد این است که دهها و حتی صدها هزار نفر از مردم خوزستان از مناطق جنگ زده مسی - گریزند. آنان ضمن نشان دادن فحش و ناساز به رژیم جمهوری اسلامی و رژیم عراق که این جنگ ارتجاعی را برپا دارند آخته اند خانه و گاهانه خود را ترک کرده و به مناطق دور از جنگ مانند شیراز، اصفهان، لرستان و... میروند. برایستی چرا مردم اینچنین معترضانه کوچ میکنند. این وقایع نشان دهنده چیست؟ آیا مردم قهرمان خوزستان "ترسو" و "بزدل" هستند و از جنگ وحشت دارند؟ چرا مردم می‌کند در برابر گلوله های دژخیمان آریا مهربی سینه سپر کرده و جانبا زیبا کردند و با دست خالی بمقا بلنه با توپ و تانک شتافتند، اکنون از کنار این جنگ با لحن و نغزین میگریزند؟ جواب روشن است زیرا:

بقیه در صفحه ۲

روپزیونیستهای حزب توده و فداییان (اکثریت) در این جنگ چه میکنند؟

صفحه ۸

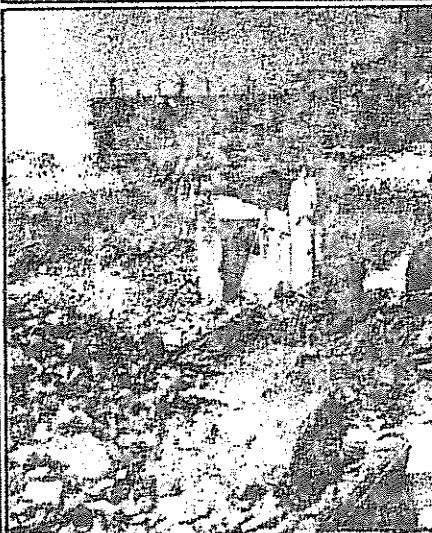
درگیری بین هواداران مجاهدین و سپاه پاسداران

دوشنبه ۱۶ مهر

ساعت ۱۰ صبح از طرف سپاه پاسداران مرکزی، به جا درامدا مجاهدین اطلاع میدهند که تا یک ساعت دیگر با یکدیگر در شان را جمع کنند. هواداران مجاهدین بعد از این اخطار برای چندمین بار به مسجد راه آهن مراجعه کرده و از آنها می - خواهند که کارهایشان را با هم هماهنگ نمایند و لی آنها جواب رد میدهند. بعد از یک ساعت سپاه با یک وانت به محل می آید و کلبه وسایل موجود در جا در بقیه در صفحه ۸

اخبار جنگ در اهواز (از ۳ تا ۱۷ مهر ماه)

صفحه ۳



فرمانده نیروهای چریکی ارتش جمهوری اسلامی کیست؟

صفحه ۱۰

گوشه هایی از اوضاع

آبادان و خرمشهر جنگ زده

صفحه ۷

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ علت ...

یکم: مردم زحمتکش خوزستان همچون زحمتکشان سراسر کشور، به ما هیت ارتجاعی و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی در این یگال ونیمه، پی برده اند. آنها با فهمیده اند که این رژیم نه تنها کم جکترین قدمی در راه منافع زحمتکشان برنداشته بلکه با تمام قدرت به سرکوب آنها پرداخته است و حتی هم اکنون که جنگ با شدت جریان دارد، رژیم لحظه ای از سرکوب خلق کرد و انقلابیون و زحمتکشان با زنی ایستد. مردم خوزستان با چشم خود می بینند که حتی در مناطق جنگ زده، رژیم بیشتر به سرکوب انقلابیون می پردازد، به همین دلیل است که مردم خوزستان میلی به دفاع از حکومت جمهوری اسلامی در برابر تجاوز عراق نشان نمیدهند. وانگهی آنان می بینند این مرفا عراق نیست که به ایران تجاوز میکند، بمباران میکند و خرابی بسیار می آورد، بلکه رژیم جمهوری اسلامی نیز دست به همین حملات میزند. مردم میگویند چرا با پدازنجا و رژیم جمهوری اسلامی که به ضرر زحمتکشان عراق است جا نیدازی کنند.

دوم: مردم خوزستان به رای العین می بینند که این جنگ، جنگی است بین دو رژیم ضد خلقی که با طر منافع خودشان به این جنگ دست زده اند، نه با طر منافع زحمتکشان. میدانند که تنها امپریالستهای و حکومتی های دو کشور هستند که از این جنگ سود میبرند. این جنگ به امپریالستهای سود کلان میرساند، چرا که باعث میشود به میزان زیادی سلاحها بشان را بفروشند و دو کشور را به وابستگی بیشتر به سمت خود بکشانند. خرید سلاحهای آمریکائی از ترکیه و کره جنوبی توسط رژیم ایران و خرید سلاحهای روسی توسط رژیم عراق نشان دهنده این واقعیت است.

سوم: آنها میدانند که در جنگی که علیه خلقهای دو کشور است، تنها به زیان خودشان تمام میشود، چرا که خلق قربانی میشود. چرا که فلاکت و بدبختی نصیبشان میشود.

اینهمه کشته و زخمی، خسارات، خانه خرابی، بیگار شدن کارگران، مفهای طویل نفت و بنزین، قحطی و گرانی که بهترین فرصت برای سرمایه داران است که با

احتکار و گران کردن اجناس و ... سود بیشتر به جیب بزنند، همه و همه گواه این واقعیت است که! رمان چنین جنگی جز ویرانی و فلاکت و "گوشت دم توب" گشتن توده ها چیز دیگری نیست.

مردم خوزستان از خود می پرسند، آیا شرکت در چنین جنگی و ادامه دادن آن به بدتر شدن وضع زندگی مردم، تشدید فلاکت و بدبختی و گشتار زنی انجامد؟ به همین دلیل مردم بجای شرکت در جنگ و دفاع از حکومت، از مناطق جنگ زده میگریزند. زحمتکشان خوزستان و سراسر ایران اگر این جنگ را برای نابود کردن ظلم و استثمار و رهایی از استثمار امپریالسم و ارتجاع

امپریالسم میخوانند، چه آنها شی که حکومت را ملی و مترقی میدانند و چه آنها شی که میگویند خلق ایران بدلیل تجاوز عراق در مقابل آن می ایستند. خیر! واقعیت نشان میدهد که جنگ ایران و عراق، جنگ بین خلق و امپریالسم نیست. جنگ بین حکومت خلقی ایران و حکومت ضد خلقی عراق نیست. جنگ بین دو رژیم ارتجاعی است و به همین دلیل شرکت مردم در این جنگ، بمعنی دفاع از حکومت ضد خلقی دامن زدن به جنگی که به زیان خودشان است و آب ریختن به آسیاب امپریالستهای و طبقه سرمایه دار حاکم ایران است. زحمتکشان ما نه تنها



به دفاع از حکومت بر نمی خیزند، بلکه با گسترش حرکتی اعتراضی خود با ایجاد تشکیلات توده ای در میان توده مبارزه علیه حکومت را شدت میدهند. وظیفه ما شرکت در این مبارزه، گسترش برآمد جنبش انقلابی توده ها و ارتقاء و هدایت آنان بمنظور سرنگونی رژیم سرمایه داری وابسته ایران است.



بقیه از صفحه ۹ گوشه ای ...

در جنگهای انقلابی علیه ارتجاع نیز نیروهای مسلح مردمی و توده های مسلح فعالند و مبارزه میکنند با ضد جنگ مردم و بیستام علیه امپریالسم آمریکا، اما در جنگهای ارتجاعی جنگ افروزان از آن میترسند که مردم آگاه شوند و اسلحه را بسوی رژیم و سرمایه داران خودی بگردانند.

داخلی برآه انداخته بودند، با جان و دل در آن شرکت میکردند و با تحمل تمام مسی خسارات ناشی از جنگ ذره ای تردید به خود راه نمی دادند. خلق قهرمان ایران، این را در جنگ علیه رژیم مزدور آریا مهری نشان داده است. آری! شجاعت، دلاوری و همبستگی مبارزاتی خلقهای قهرمان ایران را علیه رژیم شاه خائن، همگی سیاد داریم. تمام مسئله در اینجا است که زحمتکشان خوزستان بدلیل ما هیت ضد خلقی و غیره عا دلانه این جنگ، حاضر به شرکت در آن نیستند. خارج شدن زحمتکشان خوزستان از مناطق جنگ زده که برای حفظ جان خودشان صورت گرفته است، پشت محکمی است بر دهن پندار با فانی که سعی می کنند با شعارهای عوام فریبانه زحمتکشان را به شرکت در این جنگ بکشانند. چه آنها شی که مبارزه با عراق را مبارزه با

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق!

اخبار جنگ در اهواز

(از ۱۷ تا ۲۳ مهرماه)

● یکی از نظامیان از جبهه برگشته می‌گفت: "فرماندهان همگی بی‌فراگردند یا کاری نمی‌کنند مثلاً در جبهه، من گسروه خود را فرماندهی می‌کردم".

این واقعیت یکبار دیگر نشان می‌دهد که سربازان گوشت دم‌توب فرماندهان نظامی سرمایه‌داران می‌باشند، در حین خطر سربازان را به صف مقدم می‌فرستند اما فرماندهان فرار می‌کنند، برآستی چرا فرماندهان، سرتیپ‌ها، سرمایه‌داران... در جنگ کشته نمی‌شوند؟

● یکی از پرستاران بیمارستان رازی می‌گفت که "وضع بیمارستان بسیار بد است، جان نیست برانگارد نیست، جراح کم است و... و تعداد کشته‌ها را فقط در روز اول ۳۶۰ نفر ذکر کرد."

● پرسنل ارتش که از جبهه برمی‌گردند زوچیه بسیار خراب داشته و بسیار ناراحت هستند، آنها می‌گفتند اگر چه وضع غذایشان بسیار بد بوده ولی ناراحتی اصلی‌شان نبودن مهمات بود، آنها با ناراحتی می‌گفتند "نیروی هوایی" با ما همکاری نمی‌کند، در واقع تهاجمات درون ارتش زمینه‌ساز عدی است جهت افشای ماهیت جنگ ضد مردمی و آگاه نمودن سربازانی که تحت تاثیر تبلیغات شوبینیستی قرار گرفته‌اند.

● در منطقه شلنگ آب در اهواز با دو خمپاره ارتش ارتجاعی عراق، ۵ نفر از سکنین عرب این محله کشته شدند، شلنگ آب در محله زحمتکشان عرب است که با هزار بدبختی توانسته‌اند خانه‌های بسیار محقر برای خود بسازند، آنها حاضر نبودند محله را ترک کنند، می‌گفتند کجا برویم؟ این منطقه از طرف رژیم منطقه جنگی اعلام شده است ولی اهالی از ترس اینکه آنها را بعداً به آنجا راه ندهند حاضر به ترک منازلشان نبودند.

می‌بینیم که چگونه فشار جنگ بر توده‌های زحمتکش از جمله خلق عرب وارد می‌آید، آنان که گول تبلیغات شوبینیستی

مردم زحمتکش درسوگ فرزندانشان نفرت خود را از رژیم بنمایش می‌گذارند

اهواز ۲۰ مهر ۵۹ - محوطه بیمارستان جندی شاپور

کشی کند، فریاد می‌زد "رها (برادرش) کشته شد، من با بد خودم را بکشم." از خشم و نفرت و تاثر حالت عصبی پیدا کرده بود. چندبار بی‌هوش شد، بلند گواهی می‌داد که مردم از پشت میله‌ها متفرق شوند یک نفر با خشم فریاد می‌زد: "بروید گم شوید، پدر مردم را در آورید، بی‌خانمانان کردید سرمایه‌داران در تهران نشسته اند و سپس می‌گویند شهید شدند، ما نمی‌خواهیم شهید شویم، ما نمی‌خواهیم قربانی شویم. ما جنگ نمی‌خواهیم." با آوردن وسایل شخصی استوار متوفی، برادرش بی‌سره پاسداران بیمارستان حمله کردند و از خمینی تا پائین را فحش میداد، با اعتراض یکی از پاسداران با حمله کرد و می‌خواست خفه اش کند که مردم مانع شدند.

مردم بیدار عوز زحمتکش که در جنگ تحمیلی رژیمهای ارتجاعی به ستوه آمده‌اند، سوگ عزیزانشان را به نمایش نفرت از رژیم تبدیل می‌کنند، آنان بوجی شمارهای عوام‌فریب سردمداران جمهوری اسلامی را با انزجار خود از جنگ غیر عادلانه ویرانگر افشا می‌کنند.

خانواده یک استوار که در جنگ کشته شده است گریان و پیریشان در حیطه بیمارستان برای تحویل جسد از دست رفته‌شان نشسته‌اند، برادرش فریاد می‌زد "سلام پنه؟" ما مسلمان نیستیم، فقط قمی‌ها ملامتند بر پدر ما در این حکومت لعنت این چه بلائی بود سر مردم آوردند؟" یک نفر دیگر می‌گفت "خودشان در مجلس نشسته اند و جوان‌های ما را به کشتن می‌دهند و بعد می‌گویند شهید شد" پیرزنی با گریه و فغان به همسره سردمداران جمهوری اسلامی ناسزا می‌گفت و هیچکس نمی‌توانست جلوش را بگیرد برادر استوار کشته شده با نفرت فریاد می‌کشید که: شهر را بمباران کردند، مردم بیگناه را بکشتن دادند، آقای بنی صدر که طوریش همیشه، برای اوجه فرقی می‌کند که کی کشته می‌شود، آنها فقط می‌گویند بکشد، می‌گویند بروید زیر زمین، گویز زیر زمین؟ تو اگر دلت بحال مردم سوخته، آنها را بجای امن ببر، نه ما شینی است نه قطار است نه اتوبوس‌ها را می‌کشند، پس با بدبمانند و کشته شوند تا شما بگوئید شهید؟، مگر با دست خالی می‌شود کاری کرد، سپس خودش را بر زمین زد و قصد داشت با چاقو خود را

را نخورده اند از این جنگ لعنتی وضد مردمی بیزارند.

● برادرش بر خورد گلوله توپ در خیابان ناصرخسرو مقابل باشگاه ناصرخسرو، چند نفر زخمی شدند که حال سه نفرشان بسیار وخیم است.

● منطقه کمپلور زیر باران تسوپ و خمپاره مزدوران بعث عراق قرار داشت، یکی از خمپاره‌ها در خیابان ولی عصر بزمین خورد، آمبولانس‌های زخمی‌ها را می‌بردند که در حالت مرگ قرار داشتند، جسد مردی از وسط نصف شده بود و مغزش متلاشی شده بود، پسر ۱۷ - ۱۶ ساله‌ای با گریه و شیون می‌گفت "جنگ تحرک میده؟" "جنگ تفریح میاره" (اشاره به پیام آیت الله خمینی) از چهره او و دیگران انزجار از جنگ غیر عادلانه تحمیلی دیده میشد، روز بعد اهالی این محل مانند سایر محله‌های اهواز خانه‌های خود را کرده و گریخته بودند.

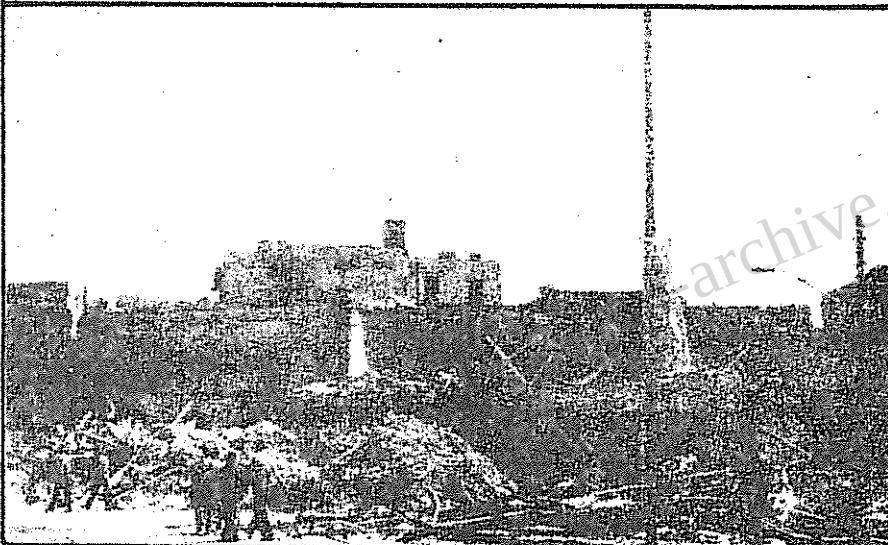
● خوابگاه دانشجویی دانشگاه اهواز (رازمین) را خالی کرده و سربازان در آنجا مستقر شده‌اند، ارتجاع برای پیشبرد اهداف ارتجاعی خود در این جنگ همه امکانات را بخدمت خود می‌گیرد.

● رامین در چهل کیلومتری اهواز را می‌گهای روسی ارتش ارتجاعی عراق بمباران کرده بودند، اهالی عرب دهات اطراف آن بر علیه جنگ صحبت می‌کردند، نیروگاه اتمی نیز در آنجا قرار دارد و همه کارکنان آن روسی هستند که با اطلاع از وضعیت جنگ برای درمان بودن از بمب‌های هواپیماهای روسی ارتش عراق! آنجا را ترک کرده بودند، این نیروگاه دارای چهار بخش است که فقط از یک قسمت آن بهره‌برداری شده است بیشتر بمب‌ها در انبارها و سایل‌های یو و رودخانه پشت ده پرتاب شده بودند، بگفته اهالی این محله ضرر جانی نداشت.

آیا رژیم از جان و مال مردم جنگ زده دفاع میکند؟

... گریه چکا رکنیم؟ یک کارگر آتش نشانی گفت "کی دیدی حرف حساب بزنند که الان که جنگ شده چیزی بگویند؟! بدبختمان کردند زن و بچه مان را آواره کرده اند زبانشان با زهم دراز است، میگویند ما میجنگیم، چه جوری؟! آری فرزندان زحمتکشان در این جنگ ارتجاعی کشته میشوند ما فرماندهان مزدور مدال پیروزی میگیرند و بیانی صدر عوا مفریب خود را "قهرمان" جنگ نشان میدهد، اینان نسبت به سرنوشت نوده های زحمتکش بی تفاوتند ما از کشته های آنان برای خود سکوی افتخار می سازند.

مواد خبری نبود هنگام این حملات هوایی رادیو اهواز وضعیت سفید اعلام کرده بود!! مردمی که بدنهای پناهاگانی می - دویدند با انزجار از جنگ صحبت میکردند، میگفتند که خودشان (منظور سردمداران رژیم بود) در جای امنی نشسته اند فکر میکنند نقل و نبات سر مردم میبارد مردمی میگفت "از روز اول که ما اینها را سرکار آوردیم کی دیده اینها نمک به آتش مردم بریزند فقط بسمه تعالی بخورد مردم دادند." پیرمردی میگفت این رادیو چرا نمی



اهواز

بیان خلعت ضد مردمی اینان و همپاکی - هایشان گویاست این مرتجعین، مردم بیدفاع را که حاضر به شرکت در جنگ غیر - عادلانه نیستند و بناچار مجبور به ترک شهر شده اند، مثنی عیاش و خوشگذران - مینا مند، در حالیکه خود جرات نزدیک شدن به خط مقدم جبهه را ندارند، از آنها میخواهند که تن بشهادت بدهند!

اهواز ۵۹/۷/۲۰

در حالیکه مردم بر اثر بمباران شهرها ناچار به ترک شهر و دیار خود میشوند، رادیو اهواز و رادیوهای خوزستان مرتب اطلاعاتی مازکرده و بمردم اخطار میکنند که هر کس شهر را ترک کند، با قوانین زمان جنگ با وی رفتار نخواهد شد. ادارات اطلاعاتی می دهند و میگویند هر روز حضور و غیاب کارکنان به استناداری تسلیم میشود و با غائبین همانند زمان جنگ رفتار میشود!

بدنهای بیروز جنگ بین دود و دود است ایران و عراق، عده ای از نمایندگان با مصلاح مردم بطرف خوزستان سرازیر شدند آنها در بخشها و محله های تلویزیونی خود در اهواز با انواع توجیهات عوام فریبانه برای تظہیر ارتش آریا مهری و جاداد آن در دل مردم متوسل شدند و در همین جاسا موضع ضد مردمی خود را بخوبی مشخص کردند. خامنه ای، این با مصلاح نماینده مردم و سردمدار حزب معلوم الحال جمهوری اسلامی و نماینده ما مدرو زارت دفاع و ایضا اما جمعه تهران و همچنین معادیه خواه این عنصر جلا دوقا تل، در محله تلویزیونی خود در اهواز میگویند: "مردم مسلمان و متمهد ما در شهر با دست خالی و الله اکبر در مقابل ارتش عراق ایستادگی میکنند فقط عده ای عیاش و خوشگذران شهرها را تخلیه میکنند و..." همین جمله بسرا ی

اهواز پنجشنبه ۵۹/۷/۱۷

☆ میک ها و توبه های ارتش ارتجاعی عراق چند نقطه حساس شهر را به آتش کشیدند:

۱ - واکنش های حامل گاز و شیل و دیگر مواد سوختی در انبارها در راه آهن - در حدود ساعت میسوختند در انبارها را این واکنشها بیش از سی نفر از مردم بیدفاع بصورت فجیعی کشته شدند بطوریکه تکه های گوشت آنان از بالای محل ها جمع آوری میشد. مرد زحمتکشی تعریف میکرد که شخما جسد ۱۲ نفر را جمع کرده است، در مقابل راه آهن دوتا کسی نابود شدند

۲ - انبار قیر چسب سیلو و پشت ورزشگاه تختی: در انبارها رگلوله توپ در این محل اتومبیل آتش گرفته و یک راننده زحمتکش تا کسی کشته شد، قیر و مواد نفتی انداخته تا دوروز همچنان میسوخت و دود ناشی از آن باعث مسمومیت اهالی شد بطوریکه آنها را مجبور به ترک منطقه نمود

۳ - انبار رقصی از انبار مهمات لشکر: این انبار از ساعت ۴ بعد از ظهر شروع شد و پس از یک ساعت شدت وحشتناکی یافت در اثر این انبار ریشه های اکثر مناطقی اهواز خرد شد و اهالی مناطق شلنگ آباد، خشار یا ر کمپل و لشکر آباد دو... مجبور به ترک خانه های خود شدند، صبح روز بعد قطعات متفرج شده به وفور در خیابانها یافت میشدند، در اثر این انفجار گروه بسیاری از ارتشیان و پاسداران محل کار و نگهبانی خود را ترک کردند و در همین فرار درگیریهایی شدیدی بین فرماندهان و درجه داران در گرفت.

بخاطر برخورد رگلوله توپ با ساختمان بیمارستانها، بیمارستانهای رازی، آپادانا، پارس هلال احمر و شماره ۲ جندی - شاپور تخلیه شده اند.

مردم در حالیکه فرار میکردند میگفتند مگر انبارها را سلاح و مهمات را در داخل شهر درست میکنند؟ پاسداران بدون توجه به شیون زنان و کودکان با اتومبیل های استیشن فرار میکردند، یک ارتشی میگفت به محض شروع انفجار تلفنی به تهران و رادیو اهواز اطلاع داد و گفت که از مردم بخوانند که شهر را ترک کنند و سپس از انفجارات برگردد دولی رادیو اینکا را نکرد و حالا مردم وحشت زده فرار میکنند. رادیو همزمان با انفجارها فقط مسازش پخش میکرد، یک ارتشی دیگر میگفت برای جلوگیری از انفجار، میتوان مسواد شیمیایی خاصی با هلیکوپتر ریخت تا مانع از رسیدن اکسیژن هوا گردد و دولی از این

نامه یکی از رفقای هوادار درباره اوضاع شهرآبادان

به رفیق دیگری

"س" عزیز سلام :

امیدوارم حالت خوب باشد ، حال ما هم خوب است .
الان که ما مرا مینویسم با "سو" ، "س - ن" و "ح" خونه دانی ام نشسته ایم .
ما مهربا با عجله مینویسم ، می بخشی .
آبادان کما حال نظامی به خود گرفتار است ، اکثریت اهالی رفته اند و بیشتر خانه ها فقط پدر و پسر خانوادها مانده اند ، بطور کلی وضع جنگ سفتیج ارتش ایران است ولی آبادان تلفات زیادی داده است هر شب و روز در چند محله راکت و خمپاره می اندازند و کشتار روزی و خرابی بسیاری آورد تا کنون بیشتر کاروان واحد آبادان مورد حمله واقع شده است ولی همه کماتی که در آبادان هستند منتظر حمله هستند و مرگ بسیار عادی شده است روحیه خیلی از مردمانی که اینجا هستند کما انقلابی است ولی کلا جنگ فعلا افت محسوسی در آبادان ایجاد کرده است .

از جریانات سیاسی برایت بگویم هما نظریه خودت هم در جریان هستی مسئله جنگ آنهم به شکل فعلیش برای تمام جریانات غیر منتظره بود و خود ما هم تا چند روزی گنج بودیم تا یواش ، یواش جریانات در دستمان آمد . فعلا هواداران (همه) جریانات کارهای محلی میکنند و خط راست فدائیان (اکثریت) بیشتر گرفته است ولی چندتا محله در دست ما و نیروهای چپ دیگر است ، مسئله سنگ و زبر خوردن جریانات به این مسئله سنگ محک خوبی برای تمام این جریانات است و تا کنون هم اکثریت را ست زده اند و تنها خود را در مقابل عراق می بینند و از دفاع از میهن را مطرح کرده اند .

"س" جان در شهر غلظت کمونیستی بالاست ، شبها راه در کنار هم در سنگرها و خندقها می گذرانیم و هر لحظه احتمال خطر را در نزدیکی خود احساس میکنیم راستش فکر نمی کردم به این سادگی با مرگ برخورد کنیم ولی شرایط این موقعیت را پیش آورده ، به کم از خودمان بگویم ، از اول جنگ من ، "س - و" ، "س - ن" و "الف" در کنار هم و همه جا با هم بودیم ، خیلی بهم نزدیک

شدیم مثل یک روح در چند قالب خصوصا من و "سو" ، زخمی شدن یکی از بچه ها ، کار کردن در شیر و خورشید و سروکار با زخمیها و کشته ها و زیرگیرا و سیماران بودن روحیه ما را محکم و نفرت طبقا تیمان را شدت بخشیده است ، بیشتر ما درها رفته اند ، ناگفته نماند که ما رفتن توده مردم از یک حرکت انقلابی که ما هیت آن عدم اطمینان نسبت به هیت حاکمه و بیگانگی به ما هیت جنگ اخیر را در ازبایی می کنیم .

ما تصمیم داریم که تا آنجا شیکه ممکن است در شهر ما نیم البته نه تا آخرین نفر و نفس بلکه تا آنجا شیکه منافع و نیاز خلق و جنبش کمونیستی ایجاد میکند ، "ح" در سنگرها بچه ها همکاری میکنند ما هم تصمیم به بسیج و تشکل دختران هوادار و سپس تمام زنان و دختران شهر را داریم ، در لحظه کنونی زندگی را بسیار لذتبخش و زیبا می بینم و به نماندگی از طرف "س - و" و "س" هم اگر تو نستیم از حملات فدا خلق ، هم داخلی و هم خارجی در آسمان با شیم که خیلی تجربه ها و حرفها داریم اگر هم نماندیم ، زنده بساد پیکار توده ها . مطمئنا نه تنها تو بلکه تو به همراهی و پیشاپیش خلق ایران ، راه و هدف ما که جز رهائی خلق و آزادی طبقه کارگر نیست را ادامه میدی ، نمیدانم تا فردا چه میشود ولی بهر حال ما به استقبال آن میرویم ، هر روز ترسمان کمتر و ایمانمان را سخر می گردد ، رفقای تشکلاتی ما مسئولانه در مدد بر خوردن صولی کردن می باشند تا بحال که بهتر از تمام جریانات پیش رفته اند ، امیدوارم زنده بمانیم تا چیزها شیکه به قیمت خون بسیاری از زحمتکشان آبادان و همچنین معلمان

رفقا!

در تکتیر و توزیع خبرنامه جنگ بکوشید!

موفق ، نیمه موفق و ... بودن اخبار را

ذکر کنید! داخلی یا قابل درج بودن خبر

را روشن کنید!

در ارسال هر چه سربتر خبرهای جنگ

بکوشید!

زحمتکش ما در آموزش و پرورش بدست آوردیم در عمل بکار گیریم .

س جان شدید دست ترا و تمام همکاران عزیزت را میفشاریم و میرویم تا در کوره مبارزه آبدیده تر گردیم ، تمام بچه ها را سلام گرم برسان ، با ایمان به پیروزی کارگران و زحمتکشان به همراهی کمونیستها قریبانت - س - ی

س عزیز و خوبم سلام

الان حدوده ۱ روز است که در وضعیت شدید جنگی قرار داریم ، جنگی کما ملا غیر عا دلانه و دخلفی ما مدت ۲ روز کما مل (۲ روز و ۲ شب) در شیر و خورشید با مدا دگری مشغول بودیم ، نمیدانی چه صحنه های دلخراشی دیدیم ، کودکان خمپاره خورد ، با دستی قطع شده ، جسد جوانان عزیز بیگناهی که زیر حملات هوایی فدا شدند شهید شدند و با قرار گرفتن در این وضعیت بیشتر مصمم میشویم که به پیش رویم ، جان ما و امثال ما هم فدای رهائی خلق دلاور و مستمیده مان .

بها میدپیروزی س - و

س خوبم سلام

ما مهربا با عجله مینویسم امیدوارم که حالت خوب باشد ، ده روزه که جنگ در آبادان شروع شده و هنوز ما مهربا را اکثریت مردم آبادان شهر را تخلیه کرده اند و فقط آبادانی که قادر به رفتن نبودند مثل کارگران شرکت نفت و بعضی از اداریهها مانده اند و اکثریت کمونیستها را اکثر نقاط آبادان شورای دفاع محلی تشکیل داده اند که گروههای سیاسی مختلف در آن شرکت دارند ، جو آبادان خیلی خوبه ، نماند ما بسیار (س - و) (ج - ح) رفتند امضاها چون ما شین برای انجا گیرشان اومد ، من و (ج - م) و (ج - ی) در سنگرها هستیم ، مرگ در یک قدمی ما قرار دارد ، امیدوارم که ما ندن کمونیستها در آبادان بتوانند سهمی هر چند کوچک در جنبش کمونیستی ایران داشته باشند .

با میدپیروزی را همان

(س - ن)

مرگ همین الان میتواند بسراغ من بیاید ولی من تا میتوانم بسراغ مرگ نمیروم و اگر هم روزی مرگ بسراغ آمد که خواهد آمد مدهم نیست ، مهم اینست که زندگی یا مرگ من در دیگران چنان شیرین خواهد گذشت ، شاید ما دیگر همدیگر را نمی بینیم ولی با میدددار ،

دزفول ۵۹/۷/۱۶

● در اثر اصابت سه موشک به زمین به زمین منطقه بزرگی در کوچه خرسند که ۲۵ خانواده در آن زندگی میکردند بکلی ویران شده است و بیش از ۶۰ نفر کشته شده است. این محله از فقیرنشین ترین محلات دزفول است. پسر خرد سالی که خانه عمویش ویران شده بود میگفت "همیشه فقیر فراق در جنگ کشته میشوند". در این ناحیه تنها یک خانواده که زبر زمین داشتند از واقع جان سالم بدر برده بودند. این مسئله نشان میدهد که اگر مردم ما از سائل ایمنی برخوردار نبودند تلفات بسیار کمتر میبود. اکثر مردم دزفول شهر را ترک کرده اند و کسی در سنگرها دیده نمیشود. پاسداران دائم از مردم میخواهند که زیرلای مساجد مسلح شوند. مردم زحمت کشی که در شهر مانده اند با کمبود ما محتاج روپس و هستند. آنان در هر برخوردی نفرت خود را از جنگ نشان میدهند.

دزفول ۵۹/۷/۱۹

● روز ۵۹/۷/۱۹ از ناحیه های آسیب دیده دیدن کردیم. موشکی که در وسط خیابان نزدیک مغایرات افشاده تا شعاع ۱۰۰ متر تمام خانه ها را ویران کرده است. مردی که پدر و اعضای خانواده اش در این تنها جموحشیا نه بعضی ها کشته شده اند، با آشتی میگفت "جنگ برای ما فقط خسارت بیارمی آورد. بجز کشتار و بیرحمی چیزی عاید ما نمیشود". البته او در آن عصبانیت آگاهی کافی تنها مقصر جنگ را امداد مرتجع میدانست. در ناحیه سی متری ۱۵ خانه بکلی ویران شده و بیش از ۴۰ نفر کشته شده اند.

اندیشمندان ۵۹/۷/۱۹

● مردم زحمت کش اندیشمندان نیز چون سایر شهرهای خوزستان خانه و گاه خانه خود را ترک میکنند. در یکی از محلات شهر حدود ۱۵ خانه ویران شده و ده نفر کشته شده اند. از جمله یک زحمتکش خرده فروش با تفاسق خانواده اش بهلاکت رسیده اند. هواپیما های روسی ارتش ارتجاعی عراق هم اندیشمندان را بی نصیب نگذاشته اند و ویرانیهای بسیار آورده اند.

شهر شوش ۵۹/۷/۱۹

● شهر شوش از دو طرف مورد حمله است. اکثر مردم شهر را ترک کرده اند تا بدقیقت دو دست نفر که اکثر اطفال و بزرگسالان در شهر مانده اند. تا نیکهای ایرانی در پشت شوش موضع گرفته اند و تانکهای عراقی در قسمت غربی. در شهر ویرانی زیاد بار آمده است.

شیراز ۵۹/۷/۲۰

● آبادانی های رانده شده از خانه و کاشانه شان، در ادا مه جنگ تحمیلی و ارتجاعی دست به افشاکاری های وسیعی زده و نفرت خود را از رژیم و جنگ غیر عادلانه نشان میدهند. مقامات محلی با وحشت از این فعالیت افشاگران که نا تیرر زیادی روی مردم میگذارد دست با اقدامات گوناگون زده اند. سپاه پاسداران اطلاعیه داده و آنها را "فراریان از جنگ" نامیده و گفته عده ای از آنان را دستگیر کرده ایم و "هشدار" داده که "گول آنها را نخورید" که "اینها توکران حلقه بگوش امپریالیسم آمریکا هستند" استاندار رضا حبه کرده و گفته که فقط خانواده ارتشیان را حامی دهیم و "امام جمعه" مرتجع در نماز جمعه از مردم خواسته که به "روی زنهای اینها تف بیاندازید" این نمونه ای از رفتار غیر انسانی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی با کسانی است که با هزار مصیبت خود را از زیر بمبارانهای ارتش ارتجاعی رژیم بعضی عراق نجات داده و آواره شهرها گشته اند.

خرمشهر ۵۹/۷/۲۷

● نیروهای ارتجاعی بعث عراق در پشت "پل نو" سکنه جدید و اسکله ۶ مستقر میباشند و نیروهای پراکنده ای نیز در اطراف کمربت کمارده اند. نیروهای ایرانی در محل پلیس راه و کمربت مستقر هستند و زد و خورد بیشتر بوسیله توپ صورت میگیرد. و گاهی نیز از مسلسل استفاده میشود. پاسداران به شکل منجمی در شهر مستقر هستند و افراد و انومیل های "مشکوک" را مورد بازرسی قرار میدهند. مسئله ای که شدیداً چشم میخورد اختلاف و تضاد بین ارتشیان و پاسداران است که با ادا مدو شدت جنگ، شدیدتر میگردد. یکی از سربازان میگفت ما در جبهه میمانیم تا تمام شده بود و میخواستیم عقب نشینی کنیم ولی پاسداران ما را تهدید کردند که اگر برویم ما را با نارنجک خواهند کشت و یکی از سربازان هم مسلسل خود را بسوی پاسداران گرفته و گفت اگر زبانه حرف بزنید همه شما را برگردانم. "ارتشیان از روحانیون و پاسداران (که تکنیکهای جنگی بلد نیستند) به جبهه خشمگین هستند.

آبادان ۵۹/۷/۱۹

● ظهر این روز، رادیو آبادان اعلام کرد که "بعضی از ضد انقلابیون و دشمنان مسلمین در منطقه "دارخوشین" و "شادگان" نفوذ کرده اند و از مردم خواست که آنها را به "مقامات مسئول" تحویل دهند. احتمالاً نیروهای مزدور عراق تا این نقاط پیشروی کرده اند.

● "رادیو آبادان" اعلام داشت که "دادگاه انقلاب" در مورد افراد زیرین رای صادر کرده است:

۱ - عزیز عبادی به جرم "مافیکشی و دلالی غیر مجاز بخصوص در شرایط جنگ محکوم به یکسال

۲ - عباس کعبی به جرم حمل اسلحه غیر مجاز، شرارت و فعالیت بنفع ضد انقلاب محکوم به یکسال.

۳ - حجت الله ربیسی مخالفت مریح با دادگاه و مخالفت با قانون عسدم فعالیت گروههای سیاسی و همکاری با جریکهای فدائی خلق محکوم به ۱۰ سال.

۴ - رحیم سعیدی نزاد به جرم حمل اسلحه غیر مجاز و رفتارهای مشکوک به ۵ سال زندان.

۵ - نورج به کام، سعید محمد قنیه پور - بهنام ایناری - علی خیاط زاده، بهروز حیدر نژاد و مسعود خرم نزاد به جرم تحریک محکوم به ۵ سال زندان.

۶ - حواد صدفی به جرم حمل اعلامیه تحریک کننده محکوم به ۱۰ سال زندان.

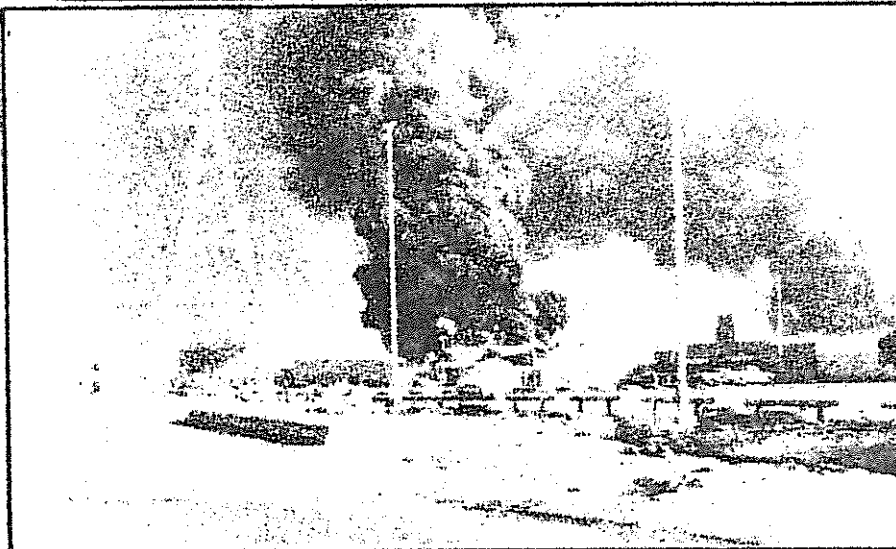
دادستان آبادان و خرمشهر - تیرمیز

آبادان ۵۹/۷/۱۹

● ادا مد جنگ هر روز بیش از پیش فاصله رژیم جمهوری اسلامی و مردم را بیشتر میکند. با گفتگوهای که با کارگران و زحمتکشان داشتیم از خارج خود را از جنگ میان می کردند و رژیم را عامل بروز آن میدانستند. در میان زحمتکشان گروهی هستند که بخاطر نا آگاهی در اثر اوضاع ناسامان کنونی گرایشاتی به وضع گذشته پیدا کرده اند که این امر وظیفه نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها را در ادا آن آگاهی و افشاکاری بیشتر و بیشتر میکند تا زحمتکشان با بریدن از رژیم جمهوری اسلامی سمت انقلاب کشیده شوند.

● درسی کبلمتری آبادان و در جاده قدیم آبادان - اهواز (منطقه دارخوشین) ارتش جلوكسانی را که عازم آبادان بودند میگرد و آنها به مردم جنگنده نیروهای عراق پل ماردر ۱۴ کیلومتری آبادان را در اختیار دارد و هر کس می رود مشروطیت با ما نیست.

گوشه‌هایی از اوضاع آبادان و خرمشهر جنگ زده



آبادان - رفت و آمدهای ماشین‌های سواری و مسافربری از طریق اهواز - خرمشهر - آبادان انجام نمی‌گیرد بلکه ماشین‌ها مجبورند از طریق جاده دارخوین به آبادان بروند. موقع ورود به آبادان با صف‌های طولانی از مردم که برای گرفتن ماشین و رفتن به اهواز جمع شده بودند روبه‌رو شدیم که میخواهند به هر طریقی که شده از منطقه جنگ زده دور شوند. بعد از سه روز که حتی تا حدود ۱۸ هزار تومان به یک مینی بوس برای رفتن به اهواز داده اند. و با تا ۴ هزار تومان به یک مینی بوس برای رفتن از آبادان به اهواز داده شده است. (لازم به تذکر است که در حالت عادی از اهواز به آبادان به یک مینی بوس در بستر ۲۵۰ تا ۲۵۰ تومان داده میشود.) هر کس به هر طریقی که بتواند خود را از شهر خارج میکند، حتی دیده میشد که تریلرهای ۱۸ چرخ که اطراف آنرا تخته و چوب گذاشته بودند مردم را از شهر خارج میکردند و در یک مورد مردم در درون بیل یک لودر نشسته بودند، حتی عده‌ای هم پیدا شده طرف ما شهر و اهواز می‌رفتند. در اکثر مناطق مسکونی مردم مشغول تخلیه محلات بودند که البته این تخلیه در آبادان به علت اینکه کمتر بمباران شده بود از خرمشهر کمتر بود. بیشترین مناطق که در آبادان صدمه دیده بودند مناطق نفتی بودند که به علت نزدیکی به مرزها به تاسیسات و پادگانها مورد اصابت گلوله‌های عراقی قرار گرفته اند ما نند: بریم، بیاوریم جنسی به علت نزدیکی به خط العرب و پالایشگاه مناطق ما چند بار زده شالی به خاطر نزدیکی به لوله‌های نفتی و مخازن نفت جمشید آباد که درون به خاطر نزدیکی به پادگان احمد آباد به علت نزدیکی به پادگان و لوله‌های نفت و به همین ترتیب هر منطقه‌ای که تا سیاحتی در اطراف آن بود مورد اصابت قرار گرفته بود. روز قبیل آموزش و پرورش و لوله‌های نفت کنار دان شده و خود را نشکسته مورد اصابت قرار گرفته بود و حدود ۲۲ نفر کشته شده بودند. در این روز بزرگ صدمه به آبادان رفته بود که می‌گفتند از اواسط سال گذشته و در موردی که از یک زن پرسیده بود که چرا شهر را ترک می‌کنی؟ زن در جواب گفته بود که شما مملکت را غارت کرده‌اید و دیگر نمیشود

زمینی با عراق بشدت مورد اصابت خمپاره و راکت و گلوله‌های توپ عراقی بوده است و تقریباً در تمام کوچه‌ها و خیابان‌ها، خمپاره و راکت و گلوله‌های خمسه، خمسه اما بت کرده است. آب شهر قطع است و کسانی که به علت فقر و تنگدستی و بی‌داشتن جای دیگر در شهر مانده اند از آب شط می‌خورند و خوردن این آب احتمال رشد بیماریهای انگلی را برای مردم باقی مانده بوجود آورده است و در یک مورد اسهال - خونی مشاهده شده است.

شبهه ارتش عراق در مرزهای خرمشهر به این ترتیب است که توپخانه‌ها از راه دور بشدت خرمشهر را میکوبند و نیروهای ایرانی را مجبور به عقب نشینی میکنند و بعد تا آنکه آنها شروع به پیش روی می‌کنند که معمولاً در برابر آنها مقاومتی وجود ندارد و تا دروازه شهر (پلیس راه، گشتا، گاه، صد - دستگاه و...) پیش می‌آیند و بعد نیروی پیاپی عراق با اسلحه سبک وارد شهر شده و نقاط اولیه شهر را تصرف میکنند و بعد از مدتی که با سیاحت و با سوخت آنها تمام می‌شود دوباره در جنگ پارتیزانی با نیروهای ایرانی (تکاور، ارتش، پاسدارها، بخشی از بسیج و...) که عمدتاً از بسیجی ۲ و سلاح سبک دارند عقب نشینی میکنند که این وضعیت چندین بار اتفاق افتاده است.

در شهرمانند، هادی غفاری هم به آبادان رفته بود که از اوضاع استقبالی نشده بود و برای تعداد انگشت شماری دریکی از محلات سفیرانی کرده بود. عمدتاً مردمی که شهر را ترک می‌کنند و همشان نسبت به رژیم جمهوری اسلامی ریخته شده است اما روحیه طرفداری از ارتش بالا رفته است. این روحیه طرفداری در میان مردم نا آگاه و متوجه به علت عدم شناخت از ما هیت ارتجایی ارتش میبا شود و گروه‌های آگاه ما هیچ - گاه ارتش جمهوری اسلامی را از خود رژیم جمهوری اسلامی جدا نکرده و ارتش را حامی منافع رژیم و سرمایه داران می‌دانند.

در همه جای شهر رفقای ما در سنگر بندی نقش فعالی دارند. فدا شیان و مجاهدین در شوراها دفاع محلی شرکت میکنند. گفته میشد که رهبران فدائیان اکثریت را با پاسدارها مصادره کرده اند و در مورد دیگر صحبت برای این بود که در حمل و نقل نیروهای ارتش کمک میکنند. در بعضی از محلات در محبت پاسا هواداران مجاهدین آنها این جنگ را جنگ ارتجایی ارزیابی میکنند.

خرمشهر

در این شهر تقریباً بیشتر مناطق مسکونی تخلیه شده است و در بعضی از کوچه ها یک یا دو خانوادگی بیشتر باقی نمانده است. خرمشهر به خاطر طرد شدن مرز آبی و

توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و جنگ ارتجایی کنونی را محکوم می‌کنیم!

رویزنیستهای حزب خائن توده و فدائیان (اکثریت)

در این جنگ چه میکنند؟

وطنی منافع توده ها و طبقه کارگر معنا ندارد. آنها نوکران سرما به داران هستند و برای آستان بوسی بورژوازی حتی حاضرند توده ها را قربانی کنند و آنها را به گوشت دم توب و ارتجاع تبدیل کنند این خائنین به سوسیالیسم همصدا با ارتجاع حاکم، کمونیستهای راستین را که بدرستی ماهیت ارتجاعی این جنگ را از ابتدا برای توده های مردم افشا کردند، "ما ثوئیست آمریکائی" و... خوانده اند. اینان در جنوب به مشاورین باسداران این سرکوبگران توده های انقلابی تبدیل شده و بطلاوه بتازگی در اهوازها داران اکثریت (فدائیان) حزب توده هنگام مساختن سنگر برای نیروهای نظامی رژیم سرما به داران، شمار "مرگ برما ثوئیست آمریکائی" میدادند از این نوکران بورژوازی بیش از این انتظار نمی رود و طبیعتی است که سوسیال شوینیستها خواستار مرگ انقلابیستون پیگیر باشند. اما انقلابیون کمونیست به همراه کارگران و سایر توده های زمختی با گسترش بخشیدن به مبارزه خودمشت محکمی برده ان این یا وه گویان گوینده و با زهم خواهند کوبید.

میگرفت بوسیله باسداران بیرون آورده میشود. مردم با مشت های گره کرده شمار مرگ بر آمریکا میدادند و با سداران هم با خنده به مردم محل را ترک میگویند. مردم آگاه سرشار از خشم و کینه نسبت به رژیم جمهوری ایلانی و اعمال او هستند اما رهبری مجاهدین نسبت به این ظرفیت انقلابی بی اعتناست. او بجای آنکه این کینه ها را به مسیر مبارزه انقلابی علیه ارتجاع بکشد، میکوشد تا روحیه سازشکاری در میان مردم نفوذ دهد. رهبری مجاهدین به نظم بورژوازی احترام میگذارد. و میکوشد تا تضادهای عمیق خلق با رژیم حاکم را بپوشاند. رهبری مجاهدین به علت ناپیگیری خودنه تنها از تمسک مبارزه خلق جلوگیری میکند، بلکه بطلاوه بتا نسیل و استمداد انقلابی هواداران خود را نیز به بند میکشد.

کسانی که در لباس مارکسیسم - نوکری بورژوازی مشغولند، کسانیکه با بورژوازی بر ضد طبقه کارگر توسط بورژوازی استثمار میشود متحد میشوند کسانیکه عیانترین اقدامات ارتجاعی بورژوازی را آشکارا تاشید می کنند و توده ها را به حمایت از سرما به داران تشویق میکنند، اینان در جنگ ارتجاعی میان دو بورژوازی، از بورژوازی خودی دفاع میکنند و نه تنها جنگ ارتجاعی را تاشید میکنند بلکه با تمام قوا سعی در فریب مردم و تخطئه نیروهای کمونیست راستین دارند. آری این نوکران بورژوازی با سوسیال - شوینیستها مدافعین میهن بورژوازی یعنی مدافعین استثمار و استثمارگری سرما به داری هستند، اینان در برابر انقلاب و طبقه کارگر به اتحاد علنی با بورژوازی دست میزنند.

با توجه به این مطالب است که می بینیم رویزنیستهای فدائی (اکثریت) و حزب خائن توده از زمان شروع جنگ به دفاع از آن برخاستند و به توده ها فراخوان دارند که با ارتش و سپاه باسداران همکاری کنند. برای این سوسیال - شوینیستهای

مردم باسداران دلایل مخره ای را برای مردم می آورند! جمله اینک: "شما شبها به عراق علامت میدید"، "اینجا انبار مهمات است" و... با لافزه اینک: "در این محل یک گروه امداد موجود است اگر خواستید بروید آنجا والا لزومی به بودن شما نیست"، که مردم فریاد میزنند: "اول اینها آمدند اینجا پس باید آنها بروند". بهر حال بعد از این همه بحث و مشاجره میلیشیا از جلوی ماشین کناره میروند! با زهم اینجا هواداران مجاهدین با حرکت سازشکارانه کناره رفتن از جلوی ماشین به جوسا عدوا افکارانه ای که مردم خود بوجود آورده بودند اعتنا نمی نکرده و به خواست مردم پاسخ ندادند و اجازه میدهند که باسداران محتویات چادر را با خود ببرند. و در این میان هم فیلم دوربین شخصی که از محل حادثه عکس

منقضیان

برای کردستان یا برای مرز؟

طبق گفته بعضی از منقضیان خدمت سال ۵۶ که برای دیدن دوره آموزشی به تهران آمده اند، رژیم تصمیم دارد تا عده ای از آنان را برای جنگ در کردستان بفرستد. این تصمیم جنایتکارانه رژیم باعث شده تا یکسری از افراد متنفذی فرار کنند. رژیم ها کم بیکم از سرکوب جنبش خلقهای ایران و از جمله جنبش خلق قهرمان کردستان نمیشود. رژیم در جنوب سر بازان را به گوشت دم توب تبدیل کرده و بسرای جان آنان هیچ ارزشی قائل نمیشود و در کردستان به ارمال نیرو دست میزنند تا جنبش خلق کرد را سرکوب نماید.

بقیه از صفحه ۱ درگیری...

را به قهر بردن در ماشین میریزند. میلیشیا ی مجاهدین جلو عقب ماشین را سد کرده و مانع حرکت آن میشوند و باسداران چون با مقاومت آنها روبرو میشوند ماشین را خاموش نموده و درون آن می نشینند. در این میان یک زن خانه دار با صدای رسای خود از باسداران میخواهد که علت اینکار را برای مردم توضیح دهند. باسداران چون جوابی نداشتند با اسلحه جمعیت را تهدید کرده و شروع به تیراندازی هوائی میکنند. این عمل باعث خشم و نفرت مردم میشود و زن خانه دار خطاب به باسداران میگوید: "شما ادعا میکنید که طرفدار مردم هستید، شما فقط در حرف طرفدار مردمید، شما نه تنها طرفدار مردم نیستید بلکه ضد مردم هم هستید، شما اگر طرفدار مردم بودید که روی آنها اسلحه نمی کشیدید، شما اگر مردمی بودید، چادری را که مردم خواهان بودن آن هستند، جمع نمی کردید و... در این حین یکی از باسداران به او میگوید:

"خواهر برو موها بت را بپوشان". این حرف باعث خشم زن مبارز شده و میگوید: "بدبخت - ما شما منطبق ندارید، اگر بپوشاندن موی سر من دردناک را دوا میکند بیا "ضممن" بپوشاندن موی سر را دوا میدهد". تو اگر راست میگوئی جواب حرف مرا بده، چکاره موی سر ما را با لافزه تحت فشار

بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ
غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

بقیه از صفحه ۷ گوشه ای ...

یکی از سربازها که هوا را اقلیت -
فدا ثیان بودمی گفت که بین این سنگرو
آن سنگرا رتباطی وجودندارد و خودا و هم
که یک سرباز عادی بودیا چند نفر از دستاش
با داشتن ۲ عدد آرم پی جی ۷ ۳ سی -
توانست به راحتی شب را پیش رفتای ماکه
با رفتای اقلیت در یک محل بودند بمانند
ومی گفت که سلاح سنگین در خر مشهر کم است
و حتی با سداران هم در خر مشهر صا نشان در
مورد نبودن سلاح های سنگین بلند شده بود.
در جبهه نیروهای ایران توپ ۱۰۶ و
جندتا تک چفتن و چندکا تپوشا (توپ های
دورزن چهل تیر) کار میکرد.

در ضمن فرار سربازان از جبهه بسیار
زیاد بود و سلاح ها را می گذاشتند و فراری
کردند با سداران و کمیته در بر خورد به
نیروهای انقلابی یک لحظه از سر کوب
غافل نبودند، بطوریکه همان روزهای اول
که رفتای ما چادری در یکی از محلات زده
بودند به آن حمله کرده و دو تن از رفقا را در
آنجا گرفته بودند که در این جریان چند
سربازی که از محل میگذشتند به این عمل
با سداران اعتراض کرده و حتی به کشیدن
گلنگدن اسلحه خود میا درت کرده بودند که
با سداران این عمل را متقا بلا انجام داده
و با زدن چند تیر هوایی توانسته بودند که
این دو رفیق را با خود ببرند که با مخالفت
مردم هم روبرو شده بودند.

در چند مورد دیگر هم در پخش اعلامیه
و غیره رفتای ما و دیگر نیروهای انقلابی
را گرفته بودند.

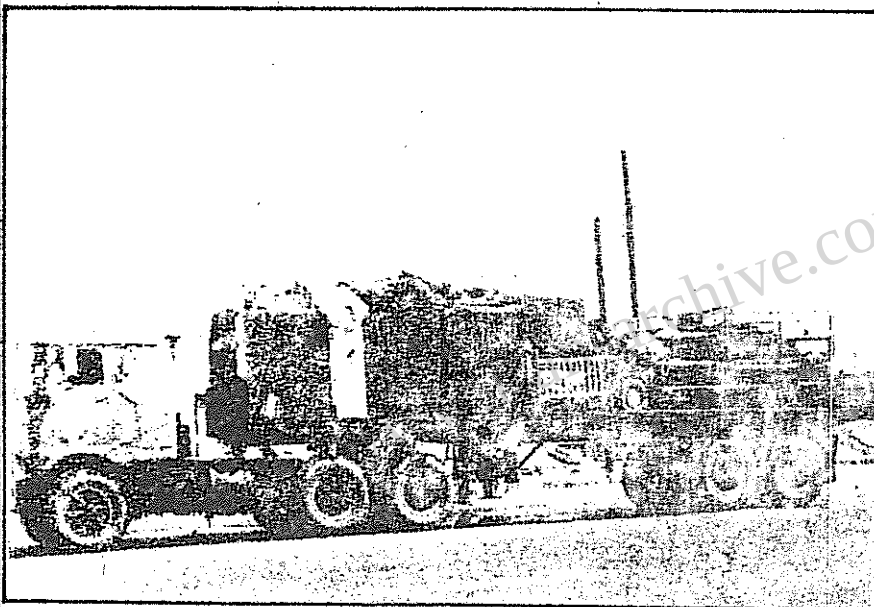
بر واضح است که در این جنگ ارتجاعی
نیاید شرکت کرد اما جالب اینجاست که
ارتجاع در مورد مسلح شدن مردم هم به شدت
وحشت دارند و حتی در موردی که عراقی ها
بعد از تخلیه یک محل در خر مشهر مقداری
اسلحه به جا گذاشته بودند و مقداری از آنها
بدست مردم افتاده بود، با سداران قسوری
به جمع آوری اقدام کرده بودند و فقط به
افرادى که اعضاء بسیج بودند و با از طرف
مسجد محل و یا به طریق دیگری آنها را
بشنا سندا بعد از ثبت نام اسلحه میدادند.
در واقع یکی دیگر از مواردی که نشانده
ماهیت ارتجاعی جنگ است این است که
سردمداران رژیم از مسلح شدن مردم میترسند

بقیه در صفحه ۲

بقیه از صفحه ۱۰ اخبار ...

■ - روز پنجشنبه ۵۹/۷/۱۲ ساعت ۱۱ صبح
هواپیما های عراقی به هوا حمله کردند
گویا جا سوسها به آنها اطلاع داده بودند که
انبار مهمات رژیم در دناشگاه جندی شاپور
است. در گنا دناشگاه که رژیم از آن هم
بعنوان ستاد فرماندهی و هم انبار مهمات
استفاده میکرد، بیمارستان شماره ۲
قرار دارد. وقتی هواپیما های عراقی
برای انهدام انبار مهمات به دناشگاه
حمله کردند تعدادی از راکتها به بیمارستان
اما بت کرد. همچنین وقتی مهمات منفجر
شد، شدت انفجار بعدی بود که سقف اطلاعات
و حوادث بیمارستان با شین آمد. کسی
بصورت مستقیم براشر حمله گشته نشد، اما

ادا مه جنگ مسا نبود. اما همین چند
مدتی که از جنگ میگذرد تغییر محسوسی در
روحیه مردم ایجا دکرده است. گرانسی،
کمیابی ارزاق، گشتار، از بین رفتن
خانه ها، نگرانی برای فرزندان ...
باعث خستگی مفرط مردم از جنگ شده است.
اما خستگی خود را از جنگ بندرت اعلام میکنند.
دلیل این امر تا حدودی ایدی از نفرتی
است که مردم از رژیم جمهوری اسلامی دارند
از طرف دیگر تقریباً همه مردم صدام حسین
را بعنوان جنايتكار محسوب و با نفرت از
آن یاد میکنند. آیا مردم زحمتکش واقعا
از یک جنگ عادلانه علیرغم تمام مصائبش
میگریزند؟ نه هرگز. آنان از جنگی خسته
شده و بیزارند که جنگی غیر عادلانه است.



جند بیمارستان انتقال از بیمارستان
به خارج گشته شدند. دختری نیز در تاساق
عمل تحت جراحی قرار گرفته بود که بدلیل
سمباران و بیرون رفتن پزشک از تاساق
عمل گشته شد.

در آرزو به بیمارستانهای دیگر
اها از نیز حمله شد. گفته میشود حمله هواپیما
- های عراقی به بیمارستانها متقا قسب
حمله جنگنده های ایران به بیمارستان
بمره صورت گرفته است. برای هیچیک از دو
رژیم ارتجاعی ایران و عراق جان مردم
ما اهمیت ندارد این جنايتكاران حتی
به بیمارستان نیز رحم نمی کنند.

روحیه مردم را ابتدا برای شرکت و

■ - دزفول نیز اکنون تقریباً وضعیت
مریوان را در تانستان گذشته دارد. مردم
برای اینکه بیش از این کشته و زخمی
ننهند زندگی خود را رها کرده و به خارج
شهر پناهنده اند. در اردوهای خارج شهر
مردم از هیچگونه امکاناتی برخوردار
نیستند. رژیم ارتجاعی حاکم این زحمتکشان
را که از مصائب جنگ ارتجاعی گریخته اند
"خائن" میگویند و تا آنجا که میتوانند از هر
گونه کمکی به آنان خودداری میورزد.
آری، از این رژیم چه انتظاری میتوان
داشت. او تا آنجا "ظرفدار" مردم است که
بر دوش آنها بیتواند سوار شود.

■ ■ ■

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و مباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را

محکوم می کنیم!

اخبار متفرقه

● در آغاز جنگ نیروهای عراق ابتدا از سمت سوسنگرد و بوستان و حمیدیه ۴۵ کیلومتری اهواز پیشروی کردند که غرضی استنادارخوزستان طی اطلاعیه ای که از اهواز دیو اهواز نیز پخش شد اعلام کرد: "۲۵۰ تانک عراقی در حال پیشروی و محاصره اهواز هستند" و از مردم خواست که سنگربندی کرده و خود را با کوکتل مولوتف مسلح کنند. این اعلامیه وحشت زیادی در میان مردم ایجاد کرد.

دوروز بعد غرضی از دشت آزادگان طی اطلاعیه رادیویی دیگری اعلام کرد که با کسری نیروهای عراقی صورت گرفته و ارتش نیز اعلام کرد که تانکهای عراقی که به سمت اهواز در حرکت بودند به لطف خدا به گسل نشستند. اما واقعیت به گسل نشستن تانکها که به نام طرح چمران معروف شده بود با اینصورت بود که ۱۴۰ تانک از سمت سوسنگرد، بوستان و حمیدیه به اهواز ۶۰ تانک دیگر از طرف دهلران به طرف دزفول در حال حرکت بودند هنگامیکه ۱۴۰ تانکی که به سمت اهواز پیشروی میکردند در دشت آزادگان قرار گرفتند به دستور ستاد ارتش توسط نیروهای ایران سدگره که بر روی رودگره قرار داشت منفجر شد و آب آن بموی دشت سرازیر گردید و در نتیجه تانکهای عراق به گسل نشستند. با وجود آنکه سدگره مهمترین سدخوزستان نیست، اما چون امکان ساختن مجدد سد بزرگی امکان پذیر نیست، این منطقه در سال آینده قطعا با کمبود آب مواجه خواهد شد و روستایان منطقه با مشکلات بیشتری روبرو خواهند بود.

روستایان با پدیدار جنگی رابدوش بکنند که جنگ سرما به داران است.

● بعد از اشغال سوسنگرد توسط نیروهای عراقی فرماندار ورشیش آموزش و پرورش سوسنگرد با حکمی از طرف خود صدام حسین خائن در سمت خود باقی گذاشت و این سمت را ۴۰ ساعت نیز حفظ کردند. این افراد بعدا به حکم خلخال اعدام شدند.

روزی در خدمت ارتجاع ایران و روز دیگر در خدمت ارتجاع عراق، اینست ما هیست کارگران جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۹

فرمانده نیروهای "جریکی" ارتش جمهوری اسلامی کیست؟

رژیم برای مقابله با ارتش ارتجاعی عراق در غرب کشور یک نیروی چریکی ایجاد کرده است. فرمانده این نیروها تیمسار ملک نام دارد. این فرمانده مزدور ارتش شاه، در سرکوب خلق قهرمان عمان مستقیما شرکت داشته و از فرماندهانی است که همراه ارتش آمریکا شاهی به ظفار رفته بود و بعد از قیام نیز از طرف رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب خلق قهرمان کرد، به فرماندهی عملیات مهاجمان دغا رده شده بود تا از تجربیات ضد انقلابی خود برای کشتار رزحمتکشان کردستان استفاده کند.

جرارویزونیستهای فدائی در مورد دستگیری افراد خود سکوت می کنند؟

اخیرا در خوزستان ۳ نفر از افسران ناخدا نظامی سازمان چریکهای فدائشی (اکثریت) توسط سپاه پاسداران دستگیر شده اند که از سرنوشت آنان اطلاعی در دست نیست.

مسئله قابل توجه اینست که چرا رهبری مرتد این سازمان دستگیری و سرکوب افراد سازمان خود را سکوت می گذارد؟ جواب روشن است: رهبران رویزونیست فدائی که به نوکربورژوازی تبدیل شده اند بنا بر ماهیت خود حتی جنایات رژیم در مورد افراد خود را می پوشانند، آنان با تمام قوا می کوشند تا اتحاد دنگین خود با بورژوازی را به رسمیت حفظ نمایند. بنا بر این جان افرادشان در برابر این اتحاد فدائیلانی چه ارزشی دارد؟

چرا رژیم از اعلام خرید اسلحه وحشت دارد؟

کیهان

صفحه ۴
سه شنبه ۲۲ مهر ماه ۱۳۵۹
چهارم ذیحجه ۱۴۰۰ - شماره ۱۱۱۱۷

سوال: شما از کدام کشور کک برای خرید اسلحه می خریدید و از کدام کشورها تقواید پذیرفت؟
جواب: اینها را ما اعلام نمی کنیم. از هر کشوری که مایل باشیم و آنها هم مایل باشند می گیریم. تا پول هم از جیبی کشورها گرفتاریم.

(از مصاحبه ها شمی رفعتجانی رئیس مجلس - کیهان - سه شنبه ۲۲ مهر ۵۹)

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی حنجره میدارند که "چیزی را از مردم پنهان نمی کنند" ولی از بیان واقعیتها هراس دارند. آنها دم از "فدا میریالیست" بودن میزنند اما از داشتن "رابطه دوستانه" با ارتجاعیترین دولتهای منطقه و امپریالیستی خودداری نمیکنند. آنان از رژیم ارتجاعی حافظ اسد (قاتل فلسطینی ها در تل الزعتر) از رژیم کره جنوبی (وابسته به آمریکا)، از امپریالیسم فرانسه... اسلحه میخرند اما از بیان صریح این خریدها وحشت دارند، رژیم جمهوری اسلامی از ذکر اسم "جاهاش" را که صلاح دریافت کرده است هراس دارد، زیرا مردم ما با دانستن نام طرفهای معامله، بهما هیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و اهداف این جنگ غیر عادلانه بیش از پیش پی می برند.

رژیمهایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!